

## داد و دادورزی در فرمان‌های شاهان هخامنشی و تأثیر آن بر تأمین نظم و امنیت

نسرین اصلانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸

از صفحه ۵۱ تا ۶۸

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی

سال هفتم، شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۳۹۹

### چکیده

هخامنشیان بیش از هر امر دیگری در مقوله عدالت‌ورزی و اجرای آن که انضباط اجتماعی را به همراه دارد، صاحب دغدغه بودند و می‌کوشیدند با در نظر گرفتن نقش دولت، عدالتی فراتر از بعد فردی آن در ابعاد اجتماعی مورد مذاقه قرار گیرد. با در نظر گرفتن نسبت و پیوند وثیق دادورزی با نظم و امنیت، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه تدوین قانون و دادورزی پادشاهان هخامنشی بر انتظام اجتماعی تأثیر گذاشته است؟

روش پژوهش مقاله، توصیفی-تحلیلی بر پایه مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای است و هدف از انجام این پژوهش تبیین تأثیر قوانین حقوقی وضع شده و دادورزی پادشاهان در تأمین نظم و امنیت ایران عصر هخامنشی است. یافته‌ها بر آن است که بسیاری از فرمان‌های شاهان هخامنشی با درون‌مایه حقوقی و مشتمل بر دو نوع قانون الهی و قانون شاهی وضع شده است و یکی از دلایل صدور این قوانین و دادورزی پادشاهان هخامنشی، تأمین نظم و امنیت و اجرای آن در کشور است.

همچنین نتایج این پژوهش، وضع قوانین توسط پادشاهان هخامنشی را متأثر از دین می‌داند که هدف از اجرای آن و تأکید پادشاهان بر دادورزی، ایجاد حکومتی است که قلمروی آن خرد، راستی و خیر است و دادورزی، انتظام شهر و کشور را به ارمغان می‌آورد تا مردمان در پناه قوانین وضع شده بتوانند در آرامش و امنیت زندگی کنند و مظاهر زندگی مادی را گسترش دهند و جلوه این قوانین می‌بایست گسترش قانون در جهان و رفاه و بهروزی ناشی از آن باشد.

### کلید واژه‌ها:

هخامنشی، فرمان‌های شاهان، قانون، عدالت، نظم و امنیت.

۱- دانش آموخته دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران. پست الکترونیک: nasrin\_aslaani@yahoo.com

## مقدمه

در پیدایش قانون و علم حقوق گفته شده است پیش از آنکه مورخان به نگارش حقوق همت گمارند به حکم ضرورت، ضوابطی به صورت عرف و عادت و اوامری از مظاهر زور و قدرت وجود داشته و بعد از آن ضوابط و اوامر مزبور در قالب قانون در آمده است؛ بنابراین در روزگاران کهن، نیروی عرف و عادت موجب پدید آمدن قانون شده است. پاشا در کتاب «داد و دادگری در ایران باستان» معتقد است اصول و ضوابطی که به تدریج به صورت آداب و رسوم پدید می‌آید و افراد از آن پیروی می‌کنند، سرانجام علم حقوق را که علم به قوانین الزامی و مقررات لازم‌الاجراست؛ به وجود می‌آورد که بر روابط اجتماعی افراد، ملت‌ها و دولت‌ها حاکم می‌گردد (پاشا، ۱۳۸۴: ۱۵) و با تمسک به این قوانین، نظم و امنیت در جامعه برقرار می‌شود. در جوامع اولیه اصول حاکم بر روابط به صورت مدون وجود نداشته است و روابط افراد تحت تأثیر قواعد و ضوابط حاکم بر گروه و قوم شکل می‌گرفت و در مرحله فراتر رئیس قبیله و طایفه و در دوران پیشرفته پادشاهان، واضعان حقوقی بودند که دستورات و تصمیمات آنان حکم قاعد حقوقی داشته و برای اشخاص لازم‌الاتباع بود (گسن، ۱۳۷۴: ۱۲). قوانین سومری از کهن‌ترین قوانین موجود در میان تمدن‌های باستانی به شمار می‌آید و مجموعه قوانین حمورابی پس از ویرانی سومر از روی قوانین قدیم سومری‌ها و عادات و رسوم آن‌ها نوشته شده است.

سرزمین ایران در میان جوامع باستانی، از ابتدا پایگاه ظهور و بروز تمدن‌های شگرف و حکومت‌های قدرتمندی بوده است و به طور کلی تاریخ حقوق در ایران را می‌توان با تاریخ ورود آریایی‌ها به این سرزمین و تشکیل نخستین گروه و اجتماع این قوم پیش برد؛ زیرا هیچ اجتماعی بدون قانون و اجرای آن و نیز دادورزی قانون‌گذاران، دوام و بقایی نخواهد داشت. در ایران باستان گفتار نیک، کردار نیک و رفتار نیک، شالوده اخلاق و انسانیت را تشکیل می‌دهد و پرستش اهورامزدا به‌عنوان سرور خدایان، در میان انبوه خدایان و رب‌النوع‌های بی‌شمار، گواهی بر این امر است. با مطالعه تاریخ و پژوهش در تحولات آن، چنین استنباط می‌شود که اساس و شالوده مدنیت فعلی مدیون و مرهون گذشتگان و آثار بر جای مانده از آنان است. بدون شک در ایران باستان آیین‌های بسیاری مانند سوگند و نیز تمایلات دینی در اجرای عدالت وجود داشته است که می‌توان آن را برگرفته از آیین‌های هندواروپایی دانست.

نخستین خاندانی که در میان ایرانیان به حکومت رسیدند پیشدادیان، به معنی نخستین قانون‌گذاران، نام داشتند و پادشاهان این سلسله چون هوشنگ، تهمورث، جمشید و فریدون در متون باستانی از اولین قانون‌گذاران ایران به شمار می‌روند و بنابر وندیداد<sup>۱</sup> که زمان پادشاهی جمشید را بیان می‌کند می‌توان پیدایش حقوق را به زمان بسیار دور که تاریخ آن برای ما مجهول است؛ جلو برد. طبق متون بازمانده از اوستا نخستین کسی که در بین ایرانیان به تدوین و وضع قانون پرداخت شاهزاده اوراخشیه برادر گرشاسب، پهلوان دوره اوستایی است. چنانچه در بند دهم از هات نهم یسنا از اوراخشیه به عنوان نخستین داور دادگستر یاد شده است.<sup>۲</sup> همچنین در کتاب سوم دینکرد به نقل از مقاله محجلین (۱۳۹۸) بهترین شاهان را کسی می‌داند که از لحاظ قدر و منزلت به جمشید و گشتاسب شبیه باشد.

به درستی می‌توان گفت که نوعی آمیختگی اساسی بین مفهوم عدالت و حکومت وجود دارد. «در ایران باستان نیز این مسئله موجب گردیده تا حکمرانان همواره از داد و داورزی در جامعه سخن گفته و خویشتن را پادشاهی عادل بدانند که از سوی خدا به این مأموریت گماشته شده‌اند. «اگر بخواهیم احصایی از این موارد داشته باشیم باید گفت واژه عدل می‌تواند معانی متعدد داشته باشد از جمله متعادل و موزون بودن، تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق افراد به گونه‌ای که به هر صاحب حقی آنچه را که استحقاقش را داراست اعطا شود. رعایت استحقاق‌ها در اعطای کمالات و خودداری نکردن از اعطای کمال به هر کسی و چیزی که امکان بهره‌مندی از آن کمال را داراست. مطالعه تاریخ هخامنشیان نیز نشان می‌دهد که ذهن حاکمان و حکیمان آن عصر آنگاه که بر امر عدالت ناظر بوده مفهومی مشابه را قصد می‌نموده است» (جاوید و جمالی، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

در ایران باستان دادرسی و اجرای عدالت در اختیار شخص شاه بود. حق و اجرای قانون، منحصر به اراده پادشاه و قدرت ارتش بود و هیچ حقی در برابر آن محترم شمرده نمی‌شد و هیچ سابقه و سنتی بدون آن که بر حکم شاه متکی باشد ارزش نداشت. «تصمیمات و فرمان‌های شاه در نظر مردم چونان وحی و الهام بود که از جانب اهورامزدا

۱- بخشی از کتاب اوستا

۲- ر.ک: پورداود، ۱۳۵۵: ۱۱۵

به وی فرو فرستاده می‌شد و لذا قوانین مملکت عنوان مشیت الهی را داشت و سرپیچی از آن سرپیچی از فرمان و خواست الهی به شمار می‌رفت» (حجتی کرمانی، ۱۳۶۹: ۴۷).

با توجه به توضیحات فوق باید بیان داشت، اهمیت پادشاهان عصر هخامنشی به تدوین قانون و اجرای آن و نیز تأکید پادشاهان بر دادورزی و گسترش عدل و داد علاوه بر گسترش قوانین الهی بر روی زمین، تأمین نظم و امنیت در جامعه را نیز متصور بوده است. چرا که بدون انتظام اجتماعی، بقای حکومت امکان‌پذیر نخواهد بود.

روش این پژوهش اسنادی - کتابخانه ایست و فرمان‌های پادشاهان هخامنشی با محتوای تدوین و اجرای قانون را بررسی نموده و علت تأکید پادشاهان بر دادورزی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱- تعلیمات دینی و مذهبی در شکل‌گیری قوانین عهد هخامنشی نقش مستقیم داشته‌اند.

۲- قوانین حقوقی مندرج در کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی و لزوم اجرای آن، با هدف تأمین نظم و امنیت جامعه تدوین شده است.

#### پیشینه پژوهش:

تاکنون تحقیقاتی در حوزه عدالت و اجرای آن در زمان هخامنشی انجام شده است از جمله مقاله «تعامل عدالت و دولت در ایران باستان با تأکید بر تحقیقات تاریخی در حقوق هخامنشیان» از محمدجواد جاوید و فریمه جمالی (۱۳۸۸)، «داد و دادگری در ایران باستان» از صالح علی پاشا (۱۳۸۴). «دادرسی و قضاوت در ایران باستان عهد هخامنشی» از علی سامی (۱۳۵۰). «قضاوت در ایران باستان (در عهد هخامنشی)» از علی سامی (۱۳۴۴) انجام شده است، اما در هیچ کدام از آنها به وجود قانون و تأکید بر اجرای عدالت (دادورزی) در فرامین شاهان هخامنشی و تأثیر آن بر تأمین نظم و امنیت پرداخته نشده است.

#### ۱- تدوین قانون و اجرای آن در عهد هخامنشی

از آنجا که لازمه دادورزی، تدوین قانون و نتیجه دادورزی، گسترش نظم و امنیت در جامعه است، از این رو در آغاز به قانون و تاریخ وضع آن اشاره‌ای مختصر می‌شود و سپس

قوانین موجود در کتیبه‌های هخامنشی و الزام و اجبار جامعه به اجرای این قوانین و نظارت صحیح بر اجرای قانون‌ها (دادورزی) توسط شاهان هخامنشی مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ زیرا که دادورزی قانون‌گذاران است که نظم و امنیت در ایران عصر هخامنشی را رقم زده است. شیوه حقوقی هر جامعه‌ای بازتاب و انعکاس روش زندگی، شرایط، اوضاع و احوال آن جامعه است. بی‌شک حقوق ایران در زمان هخامنشی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و عدالت‌خواهی و دادورزی شاهان هخامنشی همواره مورد تأکید و تأیید تاریخ‌نویسان و زبان‌زد همه ملل و اقوام در اعصار مختلف بوده است. «بدنه اصلی حکومت مرکزی هخامنشی و امپراتوری وسیع آن را شاهان هخامنشی و چند شورا که در رأس آنها پادشاه قرار گرفته بود و ریاست عالی آن را بر عهده داشت؛ تشکیل می‌داد. حقوق و امتیازاتی که شاه ایران از آن برخوردار بود از این امر سرچشمه می‌گرفت که سلطنت موهبتی الهی تلقی می‌گردید که از طرف اهورامزدا تفویض می‌شد» (احتشام، ۲۵۳۵: ۴۲). به همین جهت تمامی امور مربوط به قانون‌گذاری، نظارت بر قوانین و اجرای آن و ایجاد نظم و امنیت در جامعه در دست شاهنشاه قرار داشت و اراده او در هر مورد موجب وضع قوانین و ایجاد نظم و مقررات بوده و این اراده به‌صورت فرمان، ظاهر می‌شده است.

بر اساس کتیبه‌های هخامنشی و متون تاریخی می‌توان گفت واژه داته (dāta) اصطلاح ایرانی باستان برای قانون است که در متون اوستایی و در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی به چشم می‌خورد. «کلمه قانون یا دات اولین بار در زمان داریوش به کار رفته است و از این تاریخ «دات» جایگزین اصطلاح بابلی قضاوت که پیش از این تاریخ معمول بوده، گردیده است» (کرمی، ۱۳۸۰: ۴۴). اجرای عدالت در زمان هخامنشیان توسط دادگاه‌هایی که به ریاست سران طبقات مختلف جامعه تشکیل می‌شد؛ اجرا می‌شده است. آرای آنان مبتنی بود بر سنن کهن و قوانینی که همان داته (dāta) نامیده می‌شد. دادگاه‌های دیگری وجود داشته که رسمی بودند و قضات آنان به داته‌برا موسوم بودند این قضات از طرف شاهنشاه به این شغل منصوب می‌شدند و شغل آنان موروثی بوده است (احتشام، ۲۵۳۵: ۹۲). هخامنشیان در تدوین نظام حاکم بر جرائم و مجازات تقریباً به تاسی از قوانین قبلی به‌خصوص قانون حمورابی عمل کرده‌اند و در این حوزه نیز همچون حوزه سیاست و فرهنگ با اقوام مختلف و ملل مغلوب در جنگ با تساهل و

تسامح رفتار نموده و آنها را در عمل به آداب و رسوم و حتی قوانین خود آزاد می‌گذاشتند. (طالع زاری، ۱۳۹۱: ۴۰۱). در تأیید این سخن، کوروش در منشور خود بیان می‌دارد: «آنگاه که من (کوروش) آشتی‌خواهان به بابل اندر شدم با شادی و شادمانی در کاخ شهریاری خویش اورنگ سروری خویش بنهادم .... سربازان من دوستانه در بابل گام برمی‌داشتند من نگذاشتم کسی در جایی در تمامی سرزمین‌های سومر و اکد ترساننده باشد. من شهر بابل و همه دیگر شهرهای مقدس را در فراوانی نعمت پاس داشتم» (ارفعی، ۱۳۸۹: ۱۸).

## ۲- دادورزی پادشاهان هخامنشی و تأثیر آن بر نظم و امنیت

«در ایران هخامنشی ریشه عدالت را باید در دو عامل اصلی و مهم جستجو کرد که عبارت‌اند از ۱- تعالیم دینی یا دستورات آسمانی ۲- سازمان اجتماعی که اولی را می‌توان پایه عدالت نامید و دومی را آلت اجرایی آن» (احتشام، ۲۵۳۵: ۸۲) که نتیجه این دو عامل دادورزی (عدالت) شاهان هخامنشی را در جامعه در پی دارد.

### ۱- ۲- دستورات آسمانی:

با این‌که دین پادشاهان هخامنشی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد اما آشکار است که آیین زردشت در بین مردم ایران رواج داشته است و «اوستا اساس تشکیلات مدنی و قضایی زمان هخامنشیان بوده است از این‌رو دستورات مذهبی از جمله دستورات و مسائل مربوط به خانواده، اموال و آیین دادرسی مدنی از قبیل روابط حقوقی بین افراد، از کتاب اوستا اقتباس شده است» (کرمی، ۱۳۸۰: ۵۲). دیاکونوف<sup>۱</sup> در کتاب تاریخ ماد خود می‌نویسد «پارسیان زمان هخامنشیان تحت تأثیر شدید تعلیمات مغان<sup>۲</sup> قرار داشتند ولی هنوز چنانکه باید و شاید به کیش مزبور نگریده بودند و تعلیمات مغان در آن زمان بینابین مندرجات گائها و تعلیمات خرده اوستا بوده است» (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۳۶۶). چنانچه داریوش در بند ۷۳ ستون پنجم کتیبه بیستون این‌گونه بیان می‌کند: «آنکه اهورامزدا را بپرستد رحمت الهی با او باشد چه زنده چه مرده» (کنت<sup>۳</sup>، ۱۳۷۹: ۴۳۹).

1- Diakonoff

۲- که مغان از شاگردان و پیروان زردشت بوده‌اند و آن‌ها به احتمال قوی در قرن ششم قبل از میلاد می‌زیسته‌اند و در روایات و اخبار و ادبیات ایرانی مغان به‌عنوان زردشتی معرفی شده‌اند» (داندامایف، ۱۳۷۳: ۳۰۶).

3- Kent

یافته‌های حاصل از سنگ‌نوشته‌ها، حاکی از آن است که پادشاهان این دوره، سعادت، بقای مملکت، زندگی، هست و نیست سرزمین را همه از اهورامزدا می‌دانستند. به‌عنوان نمونه شاه ارشام در بند دوم کتیبه خود در همدان این گونه بیان می‌دارد: «اهورامزدا خدای بزرگ، بزرگ‌ترین خدایان مرا شاه کرد. او سرزمین پارس دارنده مردم خوب و دارنده اسبان خوب را به من ارزانی داشت. به خواست اهورامزدا این سرزمین را دارم. مرا اهورامزدا بپاید (حفظ کند) و نیز خاندان مرا و این سرزمین را که من دارم او بپاید» و یا در بند دوم از کتیبه ارشام در همدان شاه ارشام گوید: «اهورامزدا خدای بزرگ، بزرگ‌ترین خدایان مرا شاه کرد ..... به خواست اهورامزدا این سرزمین را دارم ....» (کنت، ۱۳۷۹: ۳۹۲) و نیز در بند پنجم از ستون اول کتیبه بیستون داریوش بیان می‌کند که «به خواست اهورامزدا من شاه هستم، اهورامزدا شهریاری را به من ارزانی داشت» (کنت، ۱۳۷۹: ۴۰۲).<sup>۱</sup> در نتیجه فره شاهی (فره ایزدی) در شخص شاه موجود بوده است و این مانند هاله افتخاری شمرده شده که همیشه همراه پادشاه آریایی بوده و نشانه آن دانسته شده که این شاهان در آسمان در کنار خدا جای خواهند داشت» (احتشام، ۲۵۳۵: ۴۲). و پادشاهی خود را به طور مستقیم از اهورامزدا دریافت کرده‌اند. و این امر سبب گردید تا جامعه ایران آن زمان که به شدت پایبند مسائل دینی و الهی بودند به راحتی حاکمیت هخامنشیان را پذیرفته و از آن تمکین نماید (طالع زاری، ۱۳۹۱: ۴۰۲).

در شاهنشاهی هخامنشی امور قضایی در بدو امر با مراسم مذهبی آمیخته و ممزوج بود و سپس از آن مجزا و به دادگاه‌ها محول گردید. پایه قانون هخامنشیان همان قانون خانوادگی و طایفه‌ای مردم آریایی بود و دادگاه‌های اجتماعی برای رسیدگی به دعاوی مربوط به قانون خانوادگی و طایفه‌ای و دادگاه‌های کشور و شاهی با داوران شاهی، برای رسیدگی به دعاوی مربوط به حکومت و دستگاه اداره کشور وجود داشت.

#### ۱-۱-۲- قانون الهی و قانون شاه

واژه *dāta*<sup>۲</sup> در کتیبه‌های هخامنشی به دو معنی قانون الهی و قانون شاه به کار می‌-

۱- و نیز رک- DBI، بند 5-11-12، بند 6-12-17، DBI، بند 8-20-24، DBII، بند 20-1-5، DBII، بند 25-18-29 و DBIII، بند 36-1-9  
 ۲ اسم به معنای قانون (کنت ۱۳۷۹، ۶۱۱)

رود. برای نمونه در ستون اول کتیبه بیستون بند ۸ عبارت «به خواست اهورامزدا این کشورها از قانون من اطاعت کردند، آن چه به ایشان گفتم همان کردند» داریوش قانونش را با فرمان الهی برابر دانسته است.

در بند ۵۴ ستون چهارم کتیبه بیستون، داریوش شاه با استناد به قانون اهورامزدا خود به اجرای قانون می‌پردازد: کشورهایی که نافرمان شدند و دروغ آن‌ها را نافرمان کرد. از این روی این مردان نیز مردم را فریب دادند پس از آن اهورامزدا آنان را در دست من قرار داد؛ آن گونه که مرا کام<sup>۱</sup> بود با آنان همان گونه کردم.

عبارت «آن گونه که مرا کام<sup>۲</sup> بود با آنان همان گونه کردم.» در کتیبه بیستون اهمیت داریوش به اجرای قانون و اهتمام وی به دادرزی را نشان می‌دهد. نیز در بند ۵۵ ستون چهارم همان کتیبه نیز این گونه می‌گوید: تو که از این پس شاه خواهی شد خود را از دروغ به شدت بپای. مردی که دروغزن باشد او را خوب مجازات کن اگر این گونه بیندیشی کشور من در امان باشد و در ادامه و در بند ۵۸ این ستون داریوش شاه می‌گوید به خواست اهورامزدا و من بسیار کارهای دیگر نیز کرده شده است که در این کتیبه نوشته نشده است.

در موارد ذیل نیز واژه *dāta* در معنای قانون شاهی به کار می‌رود: در بند سوم از کتیبه داریوش در نقش رستم، داریوش از فتوحات خود نام می‌برد و بیان می‌کند آنچه از سوی من به آن‌ها گفته شد آن را انجام دادند؛ قانون من آنان را نگه داشت. در بند هشتم از ستون اول کتیبه داریوش در بیستون، داریوش شاه می‌گوید: «در این سرزمین‌ها مردی که وفادار بود او را خوب پاداش دادم آن را که نافرمان (متجاوز) بود او را سخت کیفر دادم» (کنت، ۱۳۷۹: ۴۰۲).<sup>۳</sup>

چنانچه گفته شد شاهان هخامنشی سلطنت خود را عطیه‌ای از سوی اهورامزدا دانسته، پایه و مبنای حکومت خویش و نظام حقوقی خود را الهی و آسمانی معرفی می‌کردند. از این رو فرمان اهورامزدا را ارجح بر فرمان خود و با هدف تأمین نظم و امنیت سرزمین لازم‌الاجرا می‌دانستند. در مواردی نیز پادشاه هخامنشی فرمان خود را

۱- واژه *kāma* به معنی کام و اراده را در عبارت *yaθā mām kāma* می‌توان مترادف با واژه *dāta* دانست.

۲- واژه *kāma* به معنی کام و اراده را در عبارت *yaθā mām kāma* می‌توان مترادف با واژه *dāta* دانست.

۳- و نیز رک: DNb بند ۸۵-۱۱، DNb بند ۱۶-۲۱، DNb بند ۲۱-۲۴.



هم راستا با فرمان اهورامزدا معرفی می‌نماید. داریوش شاه در بند ۷۲ ستون پنجم کتیبه بیستون می‌گوید: به خواست اهورامزدا آن‌گونه که مرا کام بود همان‌گونه با آنان (عیلامیان بی‌ایمان) کردم؛ و در بند چهارم از کتیبه داریوش در نقش رستم، داریوش شاه گوید اهورامزدا چون این زمین را آشفته دید آنگاه آن را به من ارزانی داشت مرا شاه کرد؛ من شاه هستم. به خواست اهورامزدا من آن را در جای خود قرار دادم آنچه من به آن‌ها گفتم آن را انجام دادند آن‌چنان که مرا کام بود. در بند دوم کتیبه داریوش در شوش (Dsa) داریوش شاه گوید به خواست اهورامزدا من کردم آنچه را که کردم بر همگان عالی به نظر آید. در بند چهارم کتیبه خشایار شاه (Xph)، شاه هخامنشی بیان می‌دارد تو که از این پس خواهی بود اگر بیندیشی هنگام زندگی شاد شوم و هنگام مرگ سعادت‌مند شوم به آن قانونی که اهورامزدا وضع کرده احترام بگذار. اهورامزدا و اوستا را با احترام بستای. مردی که به آن قانونی که اهورامزدا وضع کرده است احترام بگذارد و اهورامزدا و اوستا را با احترام بستاید او هم هنگام زندگی شاد می‌شود و هنگام مرگ سعادت‌مند می‌گردد (کنت، ۱۳۷۹: ۴۹۰).

## ۲-۲- سازمان اجتماعی

«سازمان اجتماعی ایران هخامنشی از سازمان و تشکیلاتی سرچشمه می‌گیرد که در هند نیز وجود داشته است. رئیس خانواده در بدو امر نه فقط مراسم مذهبی را بلکه وظایف اجرای قوانین دینی یعنی عدالت را نیز بر عهده داشته است و او را زنتو بخته می‌نامیدند و به دلیل دارا بودن امتیازات قضایی و روحانی از احترام خاص برخوردار بوده است» (احتشام، ۲۵۳۵: ۸۳). فرای<sup>۱</sup> سازمان حقوقی هخامنشیان را پیچیده و بغرنج معرفی می‌کند؛ زیرا آن‌ها مخلوطی از مسائل حقوقی خود و دیگر سازمان‌های محلی را اجرا می‌کردند. علی‌آبادی در کتاب تاریخ حقوق ایران بیان می‌نماید: «سیاست دینی و مذهبی شاهان هخامنشی در ممالک تابعه مبتنی بر آزادی مذهب و حفظ آداب و رسوم محلی و ملی بود و تشکیلات و بنیان‌های قضایی نیز مطابق با قوانین و رسوم محلی، همان تشکیلات قبل از تسلط قوم پارس بود» (علی‌آبادی، ۱۳۴۶: ۵۸).

1- Frye

در بند نهم از کتیبه داریوش در نقش رستم، داریوش بیان می‌کند: «ای بنده مبادا آن چه به‌وسیله من کرده شده است دروغ به نظرت نمایانده شود. بنگر آنچه را که (نوشته شده است). مبادا قوانین<sup>۱</sup> مورد نافرمانی قرار گیرد به‌وسیله تو. مبادا کسی در فرمان‌برداری نآزموده شود. ای بنده مبادا شاه خود را ملزم به تحمیل مجازات کند برای عمل خطا در مورد ساکنین در این سرزمین» (کنت، ۱۳۷۹: ۴۵۷). در عبارت فوق آشکار است که قوانین وضع‌شده داریوش در جهت تأمین نظم و امنیت اجتماعی بوده است چرا که نافرمانی از آن را سبب بی‌نظمی و ناامنی جامعه دانسته و نافرمانان را مستحق مجازات می‌داند. در این عصر قانون و عدالت دارای مقام شامخی بوده است و ایرانیان این دوره خود را موظف به اطاعت از قانون می‌کردند و شاهان هخامنشی امر عدالت و اجرای آن را یکی از برنامه‌های سلطنت خود و سرلوحه امور کشوری قرار داده بودند. داریوش نیز به قانون و اجرای آن بسیار اهمیت می‌داد چنانچه در کتیبه بیستون ستون اول، بند ۲۱ می‌گوید: «در این سرزمین‌ها مردی که وفادار بود او را خوب پاداش دادم و آن را که متجاوز بود سخت کیفر دادم. به خواست اهورامزدا این سرزمین‌ها به قانون من گردن نهادند (احترام گذاشتند) و هرآن چه از من به آنان گفته شد؛ همان کرده شد» و در کتیبه دیگر در نقش رستم، پیروان و فرودستان ایرانی را اندرز می‌دهد که آنچه را که نوشته است باور دارند و از قانون‌های وی سرکشی نکنند و در کتیبه دیگر در شوش درباره عدالت سخن می‌گوید که توانا بر ناتوان ستم روا ندارد و از قانون او بترسد (فرای، ۱۳۶۸: ۱۷۱).

سپاه نیز به‌عنوان ابزاری برای نظارت کردن، اجرای قانون و برقراری نظم در شاهنشاهی بود. در زمان کوروش سپاه پارسی از مردان جنگی قبایل پارس که بر ماد شوریدند، تشکیل می‌شد. بعد از کوروش پادگان‌های بسیاری از مرکزهای نظامی شاهنشاهی برای دفاع مرزها و حفظ نظم پدید آمده بودند که سربازان آن‌ها بیشتر یهودی و سران ایشان بابلی و ایرانی بودند. در ستون دوم کتیبه بیستون این‌گونه می‌آید: «پس آنگاه من سپاهی را روانه کردم ویدرن نام پارسی، بنده من، او را رئیس آنان کردم

1- dātā

این‌گونه به آنان گفتم: پیش روید آن سپاه مادی را نابود کنید که خود را از آن من نمی‌خواند» (کنت، ۱۳۷۹: ۴۱۳).<sup>۱</sup>

تصمیمات سلاطین ایران در زمان قدیم در دفاتر سلطنتی ثبت می‌شد و این قوانین و تصمیمات مادام که توسط شاه دیگر ملغی یا اصلاح نمی‌گردید، برای سلاطین و پادشاهان بعدی لازم‌الاجرا بود. گاه پادشاه به حکم اختیارات گسترده‌ای که داشت بعضی از آن دستورات و قوانین را لغو و مقررات دیگری که به مقتضای اداره حکومت و جامعه بود، جایگزین می‌کرد. چنانچه داریوش در کتیبه بیستون بیان می‌دارد: «من به موجب قوانین رفتار کردم و به زورمند و مسکین یکسان نظر داشته و هیچ‌گونه شدتی به کار نبردم» (زارعی، ۱۳۵۰، ۶). در این بند از کتیبه، داریوش صراحتاً بر دادورزی خود تأکید می‌کند و اعلام می‌دارد که بر توانا و ناتوان نظری یکسان دارد و عدالت را در حق هر دو به یک میزان اجرا می‌کند. «سندی مربوط به سال ۴۸۶ ق.م در بابل یافت شده که بیان می‌کند قضات در جهت اجرای قانون شاهنشاهی رأی دادند که مالیات برای خزانه شاهی از یک انبار گندم، جو و خردل باید گرفته شود و مطالبه مأمور دیوانی حق و قانونی است» (سامی، ۱۳۵۰: ۲۵۵).

احترام و اجرای حقوق شهروندی، بستری برای تأمین انتظام در هر کشوری و در هر دوره‌ای است. بر اساس منشور کوروش باید اعلام داشت که ایران باستان پایه‌گذار حقوق شهروندی در جهان است و منشور کوروش بسیاری از مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را تبیین می‌نماید. «اظهارات کوروش از دیدگاه نوین، درباره شخصیت بشری حکایت دارد همه انسان‌ها ارزشی برابر و بنیادی دارند هر کس می‌تواند بنابر گزینش خود، خدا را بپرستد. آزادی حقیقی، آگاهی حق تصاحب و حق زندگی صلح‌آمیز در هر کشور مورد نظر برای همگان پذیرفته است» (ایسرائل، ۱۳۸۰: ۲۱۵). منع برده‌داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل‌کشی (در حمله بابل) تساوی افراد در برابر قانون و... مواردی است که در منشور کوروش آمده است. عدل و داد تکلیف شاه بوده و مردم نیز با کردار نیک استحقاق خود را بر حمایت خداوند تأمین می‌کردند. چنانچه در بند چهاردهم منشور کوروش آمده است:

۱- و نیز ر.ک ← DBIII بند ۳۶، ۳۸، ۴۵، ۵۰ و DBV بند ۷۱، ۷۴

«درحالی که او (کوروش) با راستی و داد پیوسته آنان (مردم) را شبانی (محافظت) می کرد مردوک<sup>۱</sup> خدای بزرگ، نگاهبان مردم خویش با شادی به کردارهای نیک و دل پر از داد کوروش می نگریست» (ارفعی، ۱۳۸۹: ۴۷). در کتیبه داریوش نیز آمده است: من دوست دوستان خود بوده ام و «در حقیقت داریوش ملت‌هایی که سر به فرمان وی نهادند را مورد احترام قرار می داد و آنها را در اقامه کلیه آداب و رسوم و شعائر و قوانین خود آزاد می گذاشت» (گیرشمن<sup>۲</sup>، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

با استناد به بندهای ۲۳ و ۲۴ منشور کوروش<sup>۳</sup> می توان گفت فرمانروایی کوروش بدون کمترین خشونت، با خواست مردم و در جهت احقاق حقوق آنان، اقامه عدل با هدف برقراری نظم و امنیت بوده و در نهایت رضایت شهروندان از حکومت و انتظام اجتماعی را برای کوروش به همراه داشته است.

هرچند اطلاعات زیادی راجع به نظام قضایی زمان هخامنشیان در دست نیست اما به طور کلی در زمان هخامنشیان به داوری و احقاق حق اهمیت داده می شد چنانچه به نقل از هرودت آمده است: بیش از هر چیز دادگستری مورد توجه ایرانیان بوده است (کرمی، ۱۳۸۰: ۳۹). از گفته وی چنین برمی آید که علاقه ایرانیان به قانون و قانون گذاری موجب شد که ایرانیان فردی را که واجد شرایط فوق باشد و در بین مردم به عدالت رفتار می کند به پادشاهی برگزینند. علاوه بر قوانین موضوعه، عادت و رسومات حاکم بر جامعه نیز باید رعایت می شد و حتی شاهان نیز خود را ملزم به رعایت آن و اطاعت از قانون و رسومات می دانستند.

پادشاهان هخامنشی احترام به حقوق شهروندی و تأثیر آن را نه تنها در تأمین نظم و امنیت مؤثر می دانستند، بلکه در امر قضاوت نیز آن را رعایت می نمودند و اقوام تحت سلطه پارسیان را نسبت به قضاوت بر اساس قوانین محلی، آیین و مقررات مذاهب و ادیان خود آزاد می گذاشتند؛ اما به آنچه که به سیاست کشور یا شخص پادشاه مربوط می شد امر

۱- خدای بابل

2- Ghirshman

۳- «با شادی و شادمانی در کاخ شهریاری خویش اورنگ سروری خویش بنهادم مردوک سرور بزرگ، مهر دل گشاده ام که دوستدار بابل است به خواست خود به خویشتن گروانید پس هر روز پیوسته (آشکارا) در گرامیداشت او کوشیدم. (و آنگاه که) سربازان بسیار من دوستانه در بابل گام برمی داشتند من نگذاشتم کسی درجایی در تمامی سرزمین سومر و اکد ترساننده باشد. من شهر بابل و همه دیگر شهرها را در فراوانی نعمت پاس داشتم» (ارفعی، ۱۳۸۹: ۴۸).

قضاوت به دسته‌ای از قضات بلندپایه و معتمد محول می‌شد. به این شکل که گاهی پادشاه قضاوت را به قضات عالی‌مقام و اشخاص طرف اعتماد و امین با نام داوران شاهی واگذار می‌کرد که در مسائل حقوقی باهم به تبادل نظر می‌پرداختند و شاه نیز بر عملکرد آن‌ها نظارت کامل داشت. در استان‌ها و شهرستان‌ها نیز دیوان‌های کوچک‌تر و محدودتری از همین نوع وجود داشت و قضات محلی با قوانین محلی مشغول داوری بودند.

اما به‌طور کلی ریاست بر امور قضایی کشور بر عهده شاه بود. او بزرگ‌ترین داور و واضع قانون محسوب می‌شد. احکام نهایی با رأی و صلاحدید او صادر می‌گردید و شاه توانایی عفو مجرم، تخفیف و یا تغییر در مجازات وی را داشت. داریوش خود را بزرگ‌ترین داور دنیا محسوب می‌نمود و بالاترین وظیفه خود را رعایت عدالت نسبت به ضعیف و قوی و نسبت به آزادگان قوم خود و اقوام بیگانه می‌دانست و چون گفته او برترین قانون کشور بود با نهایت دقت می‌کوشید که بر اساس حق، داوری و داورزی نماید و در پی آن نظم و امنیت را در سطح کشور بگستراند. در محاکمات علاوه بر سوگند خوردن، برای اثبات دعوی کیفری به اقرار، شهادت و قرائن و ادله ماوراءالطبیعه استناد می‌کردند؛ و «شاه مراقب بود که مبدا در احکام آنها تجاوزاتی روی دهد» (یولیوس یونگ، ۱۳۳۵: ۱۲۸). «عدم حضور متهم در وقت دادرسی و بی‌اعتنایی او نسبت به دعوت دادگاه، قرینه‌ای بر مجرمیت وی محسوب کرده و هر روز تأخیر به‌منزله یک گواه به ضرر او شمرده می‌شد» (آخوندی، ۱۳۶۸: ۷۲). رشوه دادن و گرفتن از جنایت‌های بسیار بزرگ محسوب می‌شد و مجازات دهنده و گیرنده رشوه، هر دو اعدام بود به‌طوری‌که آورده‌اند «کمبوجیه فرمان داد تا پوست قاضی فاسدی را زنده‌زنده کنند و بر جای نشستن قاضی در محکمه گسترند آنگاه فرزند همان قاضی را بر مستند قضا نشانید تا پیوسته داستان پدر را به خاطر داشته باشد و از راه راست منحرف نشود» (پیرنیا، ۱۳۹۱: ۱۴۸۸).

به‌طور کلی در جهت تأمین نظم و امنیت «برجسته‌ترین وظیفه شاه حمایت از خیر و دفع نیروهای شر از آسیب رساندن به حیات مادی بشری و تلاش در رونق و آبادانی آن بوده است و به عبارت دیگر «شاه باید حکومتی ایجاد کند که مردمان در پناه آن بتوانند با آرامش زندگی کنند و مظاهر زندگی مادی را گسترش دهند. قلمروی آن خرد، راستی و خیر است و جلوه آن می‌بایست گسترش قانون در جهان و رفاه و بهروزی ناشی از آن

باشد (کرین بروک<sup>۱</sup>: ۱۳۸۴: ۱۰۴). علاوه بر این داریوش قوانینی مؤثر در جهت قاعده‌مند ساختن و منضبط نمودن سازمان اداری و روابط و مناسبات اقوام تابعه با یکدیگر و دولت مرکزی وضع نمود ولی به جنبه بازدارندگی قانون در جهت انتظام اجتماعی و پیشگیری از هر شورش و ناامنی معتقد بود لذا در کتیبه شوش بند ۴ آمده است: «از قانون من می‌ترسند از این روی توانا ضعیف را نه می‌زند نه نابود می‌کند» (شارپ<sup>۲</sup>: ۱۳۸۸: ۹۵). داریوش در زمان خود دادگری و عدالت‌خواهی را به بهترین شیوه برقرار کرد و در این میان از دادرسان ویژه در مسائل دشوار حقوقی یاری می‌جست. از این رو قضات در این زمان از مزایای فراوان و امتیازات زیادی برخوردار بودند. او قانون اساسی کشور را بر مبنای بردباری دینی و رعایت حقوق سیاسی - مذهبی تدوین کرده بود و در نگارش این قانون آداب و رسوم، سنت‌ها، قوانین و مقررات ملل مغلوب را تا جایی که به کیان امپراتوری هخامنشی لطمه نمی‌زد؛ لحاظ کرد.

شکنج‌ها و مجازات هم در این دوره بسیار سخت و شدید بود که این موارد نیز در ارتباط تنگاتنگ با مقوله داد و دادرزی است به‌عنوان نمونه می‌توان به بند ۳۲ از ستون دوم کتیبه بیستون راجع به سرنوشت فرورتیش<sup>۳</sup> اشاره کرد که داریوش در کتیبه بیستون می‌گوید: «من بینی، دو گوش و زبان او را بریدم و یک چشم او را در آوردم او بر در کاخ من بسته نگه داشته شد همه مردم او را دیدند سپس او را در هگمتانه به صلابه کشیدم و مردانی را که برجسته‌ترین پیروان او بودند آنان را در دژی در هگمتانه (پوست کندم و پوست آنان را انباشته از گاه) آویختم» (کنت، ۱۳۷۹: ۴۱۵). در باب عدالت ورزی و دادخواهی شاهان هخامنشی داریوش عقیده داشت که ضامن بقای دولت، حفظ حقوق ثابت و عادلانه ملت است (یولیوس یونگ، ۱۳۳۵: ۸۴). گیرشمن که کتیبه داریوش در بیستون را نوعی شهادت‌نامه می‌داند مرز قدرت و عطوفت را در حکمرانی داریوش چنین توصیف می‌کند: «غلبه‌کننده بر آن همه پادشاهان یاغی (داریوش)، هر یک از ملل تابعه که خود را دوست نشان می‌داد مورد احترام بسیار قرار می‌داد این سلطنت توأم با عطوفت باوجود اینکه مبین علو روحی است فاقد قدرت و قوت نیست چه داریوش می‌گوید که این همه اقوام که وی آنان را نام می‌برد فرمان او را اطاعت و

1- kreyenbroek

2- sharp

۳- پادشاه ماد که به جنگ با داریوش برخاست و از او شکست خورد. ر. ک: کنت، ۱۳۷۹: ۴۱۵

اجرا می‌کنند اراده شاه همه‌جا از تراکیه تا سند و از قفقاز تا اقیانوس هند صرف نظر از اختلاف نژاد - اخلاق و اعتقادات، حکم قانون را دارد» (گیرشمن، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

در تمام سنگ‌نبشته‌های داریوش از دوستی، راستی و نهی از دروغ سخن آمده است. در بند نهم کتیبه نقش رستم این‌گونه آمده است: ای مرد از قانون سرپیچی مکن اگر کسی خواست از اطاعت روی برگرداند از او ممانعت کن و کاری انجام مده که شاه مجبور به مجازات تو باشد. در کتیبه خشایار شاه نیز قوانینی به چشم می‌خورد که بیانگر اجرای حقوق شهروندی و تأمین نظم و امنیت در عصر این پادشاه است «نه مرا میل است که شخصی ضعیف از طرف توانا به او بدی شود و نه به توانا از طرف شخصی ضعیف بدی کرده شود... مردی که علیه مردی بگوید آن را باور نباید تا هنگامی که سوگند هردو را بشنوم» (شارپ، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

### نتیجه‌گیری

بر اساس اسناد و مدارک باقی‌مانده از کتیبه‌های هخامنشی از جمله منشور کوروش، کتیبه نقش رستم و کتیبه شوش و غیره راجع به اهمیت عدالت و اجرای آن در جهت تأمین نظم و امنیت در عهد هخامنشی می‌توان گفت هخامنشیان اجرای عدالت را به مقتضای قانون و حق می‌دانستند و هرچه از راه حق منحرف شود را بی‌عدالتی به شمار می‌آوردند. مطالب کتیبه بیستون نیز اعلام می‌دارد که کسانی که دشمن داریوش هستند نه تنها شورشی‌اند بلکه دست به تخریب و ویرانگری می‌زنند و نظم و امنیت جامعه را برهم می‌زنند. در نتیجه اهورامزدا از اراده داریوش در عینیت بخشیدن به نظم حمایت می‌کند از این روست که او پیروز می‌شود و در نبردهایش دشمنانی را که دروغ و شورش را پیشه خود ساخته است، نابود می‌سازد.

درج عبارت «به خواست اهورامزدا» در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی بیانگر اهمیت دین و مذهب در بین عامه مردم و پادشاهان و نیز نقش برجسته دین در تدوین و اجرای قوانین و مجازات توسط پادشاهان است؛ زیرا شاهان در این دوره خود را نماینده اهورامزدا بر روی زمین معرفی می‌نمایند که به تبعیت از وی باید به تدوین قانون و نظارت بر اجرای صحیح آن (دادورزی) در بین مردم بپردازند. در نتیجه فرضیه نخست قابل‌پذیرش است. همچنین با بررسی قوانین مندرج در کتیبه‌های هخامنشی با محتوای

دفاع از مرزها و حفظ نظم، رعایت حقوق زورمند و مسکین و تساوی افراد در برابر قانون، کوشش در برقراری عدالت (دادورزی)، پرهیز از دروغ و مجازات دروغگو، امکان عفو مجرم، تخفیف و یا تغییر در مجازات و نیز تأکید بر جنبه بازدارندگی قانون و لزوم اجرای آن و تعیین مجازات برای قانون‌شکنان و نیز الزام ایرانیان به احترام و اطاعت از قانون وضع شده توسط اهورامزدا و شاهان؛ می‌توان فرضیه دوم این پژوهش را پذیرفت که قوانین حقوقی مندرج در کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی با هدف برقراری انتظام اجتماعی و تأمین نظم و امنیت قلمرو هخامنشی تدوین شده است و با تأیید این فرضیه به پرسش پژوهش نیز پاسخ مثبت داده خواهد شد که تدوین قانون و اهمیت به دادورزی توسط پادشاهان هخامنشی تأثیر مستقیم بر انتظام اجتماعی داشته و به دنبال آن هرگونه شورش و ناامنی نیز از میان رفته یا به حداقل رسیده است.

به‌طور کلی در کتیبه‌های هخامنشی به‌جز مواردی که به‌عنوان قانون ذکر شد اشاره دیگری به قوانین تدوین شده و موجود در جامعه هخامنشی نشده است و تنها به بازدارندگی قوانین، تساوی در اجرای قوانین، الزام عامه مردم به اجرای قوانین و نظارت بر قوانین تأکید شده است و در برخی از کتیبه‌ها مانند کتیبه بیستون و کتیبه خشایار شاه به قانون اهورامزدا استناد می‌کند اما خود قانون را شرح نمی‌دهد؛ اما سازمان قضایی هخامنشیان، شیوه رسیدگی به جرم و شکایات و نظم و امنیت موجود در جامعه هخامنشی حاکی از آن است که قوانین تدوین شده و لازم‌الاجرا در آن دوره بسیار گسترده‌تر و دقیق‌تر از قوانین ذکر شده در کتیبه‌های هخامنشی و این پژوهش است و در فرمان‌های شاهان هخامنشی به‌صورت کلی به وجود قانون و اهمیت اجرای آن باهدف برقراری نظم و امنیت در جامعه اشاره شده است.

اساساً قضاوت دیروز به نگاه و تفکر امروز میسر نخواهد بود به‌طور نمونه اگر بخواهیم عدالت شاهان هخامنشی را در دایره سنجش قرار دهیم بدون شک اگر با داده‌ها و تفکرات امروزی دست به کار شویم به خطا رفته‌ایم چرا که معنا و مفهوم دادورزی با هدف تأمین نظم و امنیت، متفاوت با امروز است و آنچه مسلم است اینکه این سلسله عملکرد موفقی در اجرای عدالت و برقراری نظم و امنیت داشته است و انتساب صفت عادل و دادگر به آنها دور از حقیقت نخواهد بود.



## منابع

- احتشام، مرتضی (۲۵۳۵)، ایران در زمان هخامنشیان. تهران: زر.
- ارفعی، عبدالمجید (۱۳۸۹)، فرمان کوروش بزرگ. تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- ایسرائل، ژرار (۱۳۸۰)، کوروش بزرگ. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس.
- پوردادود، ابراهیم (۱۳۵۵)، اوستا. تهران: مروارید.
- پیرنیا، حسن (۱۳۹۱)، تاریخ ایران باستان. تهران: نگاه.
- جاوید، محمدجواد و فریماه جمالی، «تعامل عدالت و دولت در ایران باستان با تأکید بر تحقیقات تاریخی در حقوق هخامنشیان». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی. ش ۴. دوره ۳۹. زمستان ۱۳۸۸. صص ۱۱۱-۱۳۱.
- حجتی کرمانی، علی (۱۳۶۹)، سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ. تهران: مشعل دانشجو.
- دیاکونوف، ام‌ای (۱۳۴۵)، تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
- داندمایف، م.آ. (۱۳۷۳)، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی. ترجمه روحی ارباب. تهران: علمی و فرهنگی.
- زارعی، محمدابراهیم (۱۳۵۰)، تاریخچه دادگستری در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
- سامی، علی، «قضاوت در ایران باستان (در عهد هخامنشی)». مهرسال یازده ۱۳۴۴ شماره ۱.
- سامی، علی، «دادرسی و قضاوت در ایران باستان عهد هخامنشی». مجله بررسی‌های تاریخی - س ۶. ش ۱، ۱۳۵۰، صص ۲۵۴-۲۸۰.
- شارپ، رلف نارمن (۱۳۸۸)، فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی. تهران: پازینه.
- طالع زاری، علی، «نظام حاکم بر جرائم و مجازات‌ها در دوره هخامنشیان». مجله تحقیقات حقوقی دوره ۱۵. ش ۵۹، ۱۳۹۱، صص ۴۰۱-۴۳۹.
- علی‌آبادی، محمدحسین (۱۳۴۶)، تاریخ حقوق ایران. جزوه درس دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ص ۵۸.
- علی پاشا، صالح (۱۳۸۴) «داد و دادگری در ایران باستان». برگرفته از کتاب ایرانشهر در فصلنامه جزیره دانش

- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۸)، تاریخ باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: انتشارات علمی فرهنگی
- کرمی، محمدباقر (۱۳۸۰)، نظام کیفری ایران باستان. تهران: خط سوم
- کرین بروک، فیلیپ جی و دیگران (۱۳۸۴)، جستاری در فلسفه زردشتی (مجموعه مقالات). ترجمه سعید زارع و سعید رضا منتظری. قم: نشر حوزه علمیه (مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب)
- کنت، رونالد ج. (۱۳۷۹)، فارسی باستان. ترجمه سعید عربان. تهران: حوزه هنری.
- گسن، ریموند (۱۳۷۴)، جرم‌شناسی نظری. ترجمه مهدی کی نیا. تهران: مجد
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۸)، ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. تهران: انتشارات علمی فرهنگی
- محجلین، ساناز و مجتبی درودی، «دگردیسی اسطوره جمشید در گذار از دوران هندواروپایی به دوران اسلامی» فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. س ۱۵ ش. ۵۴، ۱۳۹۸، صص ۲۲۳-۲۵۱.
- یولیوس یونگ، پیتر (۱۳۳۵)، داریوش اول پادشاه پارس‌ها. ترجمه داود منشی‌زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.